

مردم

اذکان مرکزی غرب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۶، دوشنبه ۲۱ اردیبهشت، ۱۳۵۸
شماره ۱۵ رتال

مشی سیاسی: استراتژی، تاکتیک

حزب طبقه کارگر موظف است مشی سیاسی خود را در مراحل استراتژیک و دوره‌های تاکتیکی جنبش انقلابی، از جهت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره، روشن کند، یعنی تحلیل و برنامه دراز مدت و کوتاه مدت خود را ارائه دهد.

استراتژی

یک مرحله استراتژیک، تمام مرحله انقلاب را دربر می‌گیرد و شاخص مرحله انقلاب نیز آنست که کدام تضاد جامعه در دستور روز است که باید حل شود، تا جامعه قادر باشد راه را به جلو بگشاید و به سوی افق تازه‌ای گام بردارد.

موافق تحلیل حزب ما، تضاد عمده جامعه ایران، تا تحقق انقلاب اخیر مردم ایران، عبارت بود از:

تضاد همه خلق‌های کشور با امپریالیسم (یعنی سیاست نواستمراری انحصارهای بزرگ امپریالیستی آمریکا و اروپای غربی و ژاپن)، که ایران را به کشوری وابسته مبدل ساخته بودند از یکسو و باعمال آن و از جمله با بورژوازی بزرگ وابسته به امپریالیسم (مانند صاحبان صنایع، بانکداران و زمین‌داران بزرگ، تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌های نروتنند وابسته به رژیم گذشته و بر راس همه آن‌ها خانواده پهلوی). از سوی دیگر از آنجا که در زیر رهبری خانواده خائن و غارتگر پهلوی و برای حفظ منافع دوگانه امپریالیسم و ارتجاع، یکی از فاسدترین و وحشتناک‌ترین رژیم‌های پلیسی و نظامی جهان در کشور ما پدید شده بود، لذا تضاد یاد شده، چندان عمق یافت که منجر به جنبش انقلابی حماسه‌آمیز سال ۱۳۵۷ مردم ایران و سرنگونی رژیم شاه مخلوع شد و ورقی زرین بر کارنامه کشور ما افزود و بقیه در صفحه ۴

در باره دو خط مشی:

لیبرالیسم و دمکراتیسم در مرحله کنونی انقلاب ایران

مشی «لیبرالیسم بورژوازی» مسئله آزادی‌های دمکراتیک (آزادی احزاب و اجتماعات و عقاید و مطبوعات و انتخابات و غیره) را در انقلاب ایران به مسئله مرکزی مبدل می‌کند و در اثر این عمده‌سازی مطلب آزادی‌ها، مسائل عمده دیگر، مانند مبارزه پی‌گیر با امپریالیسم و ریشه کن کردن نفوذ اسارت‌گرا نه و غارت‌گرانه‌اش در شئون مختلف زندگی جامعه ما، مبارزه برای نابود ساختن مواضع هنوز برجسته مانده رژیم سلطنتی وابسته، مبارزه برای تأمین حقوق دمکراتیک توده‌های وسیع مردم از جهت اتخاذ یک مشی سیاسی - اقتصادی نوین بود زحمتکش، که به نظر ما مسائل عمده است، در سایه قرار می‌گیرد.

مشی عمده‌سازی مسئله «آزادی‌های دمکراتیک» به معنای بورژوازی این کلمه را، ما «لیبرالیسم» می‌نامیم وقتی عمده‌سازی مسئله نبرد پی‌گیر با امپریالیسم و مبارزه برای اتخاذ یک سیاست درست اجتماعی بود زحمتکش جامعه را، ما «دمکراتیسم» انقلابی خلق می‌شیم. تردیدی نیست که هیچ‌یک از دو خط مشی، منکر نکات مشی دیگری نیست، ولی صحبت بر سر آنست که در این میانه تکیه باید بر روی کدام نکات انجام گیرد. مثلاً اگر «آزادی‌ها» (که از مواهب بزرگ یک جامعه مترقی است و پاسداشتن آن‌ها برای دولت و مردم فریضه است) بخواند افزای در دست گروه‌ها و افرادی قرار گیرد، برای آن‌که از آن بر ضد آزادی، بر ضد استقلال، بر ضد حکومت خلق، بر ضد عدالت اجتماعی، استفاده کنند، تکلیف مناسب به این گروه‌ها و افراد چیست؟ آیا اگر جامعه در مقابل «سوء استفاده» این گروه‌ها و افراد از «آزادی» دست به عمل زند، حق است که در آنحال، ما از تجاوز به حریم آزادی سخن گوئیم؟ آزادی برای چه؟ آزادی برای چه هدف؟ آزادی در چه چارچوب؟ آیا آزادی بدون مسئولیت اجتماعی مجاز است؟ آیا آزادی با هرج و مرج دارای مفهوم یکسان است؟ آیا آزادی با انضباط اجتماعی ناهمساز و ناگنجان است؟ آیا آزادی بلاقید و شرط یک مفوله مطلق و مقدس است؟ درباره این سؤالات باید اندیشید.

حساسیت جامعه ما در مسئله آزادی، حساسیت محیط روشنفکران در این مسئله، حساسیتی است بجا و مفهوم. همه ما به قدری از پایمال آزادی‌های فردی و اجتماعی رنج دیدیم که حق داریم نگران سر نوشت آن باشیم. حق داریم اگر تهدیدی نسبت به آن مشاهده کنیم، آماده دفاع از آن باشیم. ولی ما حق نداریم گوش‌بزرگی و بدگمانی خود را تا آنجا بسط دهیم که وظایف عمده و غیرعمده انقلاب را با هم مخلوط کنیم و نادانسته به وسیله‌ای در دست نیروهای بدل شویم که مایلند انقلاب را دفن کنند. آری، نباید لحظه‌ای فراموش کرد که «ایران شاهنشاهی»، یکی از مهمترین تکیه‌گاه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و ایده‌تولوزیک امپریالیسم آمریکا بود. امپریالیسم آمریکا به دست عمال خود، طی ۲۵ سال در این کشور، همه‌کاری را کرده بود، تا این پایگاه را بسود خود و سیستم جهانی سرمایه‌داری، تحکیم کند. انقلاب ایران این پایگاه را با مشت‌های گره کرده خلق خرد بقیه در صفحه ۴

سنای آمریکا ناراضی است

قطعه‌نامه سنای آمریکا، که در تقبیح اعدام جنایت‌کاران حرفه‌ای رژیم پهلوی صادر شده، سندی است که یکبار دیگر اثبات می‌کند که امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی مردم ایران، عداوت‌طلبانه ایران است. بخش و استقلال طلبانه ایران است. در قطعه‌نامه سنای آمریکا از اقدام دادگاه‌های انقلابی به صدور احکام اعدام برای تهیه‌کارانی که با شکار و شکنجه و قتل آزادی‌خواهان و کشتار جمعی مردم، دارو دسته محمدرضا پهلوی را در ایران مسلط ساخته بودند تا امپریالیسم آمریکا و متحدانش بتوانند یکسر کشور مارا غارت کنند و آنرا به صورت پایگاه توطئه و جنگ بر ضد دیگر کشورها و خلق‌های منطقه درآورند، ابراز انتقاد شده است. در این قطعه‌نامه بوضوح تمام معنای «بشردوستی» نوع آمریکائی بر ملا می‌شود. جنایت‌کار حرفه‌ای، که حافظ منافع استعماری امپریالیسم آمریکا است، زیر حمایت این «بشردوستی» قرار می‌گیرد و در عوض خلقی را، تمامی خلقی را مانند خلق فلسطین، می‌توان از وطن و خانه و کاشانه‌اش راند و به قید نابودی کامل آن بهر جانی دست‌بازید، بدون این‌که این «بشردوستی» خم به ابرو آورد.

قطعه‌نامه سنای آمریکا در «تقبیح» پاکسازی ایران از ضد انقلاب جنایت‌پیشه، بار دیگر اثبات می‌کند که عمل دادگاه‌های انقلابی، در مجازات عمال رژیم سرنگون‌شده پهلوی و عمال خونخوار امپریالیسم و صهیونیسم، عملی است برحق و درست، در جهت پیشبرد انقلاب ایران، ولدا در آن کهرترین فتوری جایز نیست. این که دشمن ناراضی است، به خشم آمده و فغان برمی‌آورد بهترین دلیل حقانیت و محبت عمل قاطع دادگاه‌های انقلابی است. زیرا این خشم و فغان تلاشی است برای حفظ عمال فعال ضد انقلاب در ایران، تا روزی دوباره مورد استفاده قرار گیرند.

قطعه‌نامه سنای آمریکا، به پیشنهاد سناتور جاکوب جاویتی، صادر شده است. او یکی از صهیونیست‌های دوازده نیز تشریف دارد و زنی با واسطه اردشیر زاهدی - جاسوس سیا - مدتی در «استخدام» موسسه «روابط عمومی» بوده و مبالغ هنگفتی از دولت ایران، یعنی از بیت‌المال خلق‌غارت شده، حقوق دریافت می‌داشته است. جناب سناتور - چنان‌که می‌بینید - «تزار» سه سو دارد و تجسسی است از هیولای امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و دستیاران متحد آن نظیر محمدرضا پهلوی.

در گزارش‌های مربوط به صدور این قطعه‌نامه از جمله آمده است که «سناتور رابرت برده» نیز در گذراندن قطعه‌نامه نقشی فعال داشته است. نامبرده همان کسی است که در آخرین ماه‌های حکومت خونخوار پهلوی، نقش مشاور شخص شاه را در ایران برعهده داشت و احياناً اوست که فرمان استقرار حکومت نظامی را صادر کرده است. «رابرت برده» به عنوان سخنگوی سبب‌ترین جناح امپریالیسم آمریکا، از دیگر دولت‌های امپریالیستی نیز دعوت کرده است که به پیروی از سنای آمریکا، «بشردوستی» را نسبت به جنایت‌کاران و عمال رژیم واژگون شده ایران فراموش نکنند و با همان وقاحت نوع آمریکائی، به مجازات آنان اعتراض نمایند.

در قطعه‌نامه سنای آمریکا تهدید هم به عمل آمده، که اگر مجازات عمال فعال ضد انقلاب در ایران ادامه یابد، آنگاه روابط «دوستانه و نزدیک» آمریکا و ایران به مخاطره خواهد افتاد. معلوم نیست که این تهدید بر کدام پایه مبتنی است، و پاسخ این سؤال برعهده دولت است که اعلام کند که اگر بین ایران و آمریکا، «دوستی» و نزدیکی وجود دارد، در کدام ریشه‌ها و بچه‌صورت مشخصی است، در اینجا لازم بقیه در صفحه ۴

به مناسبت اول خرداد، سالگرد شهادت فریدون ابراهیمی

خاطره تابناک شهید راه آزادی، فریدون ابراهیمی، فرزند قهرمان خلق آذربایجان، جاودان باد!



فریدون ابراهیمی از آن چهره‌های تابناکی در نهضت آزادی‌بخش خلق‌های ایران است که پادشاه هیوارة الهام‌بخش مبارزان راه حق و عدالت، رفاه و برابری مردم، استقلال و آزادی ایران خواهد بود. فریدون محبوب خلق آذربایجان بود. او یک انقلابی صریح، یک انسان باصفا، یک مبارز خستگی‌ناپذیر بود. در آن روزها، که لشکر خونریز شاه مخلوع به پهنانه واهی نوهین امیر «تجزیه طلبی»، دهها هزار از مردم آذربایجان را می‌کشت و سر فرزند را روی سینی برای مادر می‌فرستاد و جنایات بی‌شمار علیه مردم حق طلب و آزادی دوست مرتکب می‌شد، فریدون ابراهیمی، عضو حزب توده ایران و سی عضو فرقه دمکرات آذربایجان، از رهبران جنبش خلق آذربایجان و «دادستان دادگاه خلق آذربایجان» هدف حیوانی‌ترین کشتن قصابان شاه مخلوع قرار گرفت. وی تا آخرین نفس در برابر دسائس دشمنان که شاه با تهدید، شاه با تحقیر می‌خواستند او را از میدان مبارزه بیرون رانند و به لجن‌زاری و ارتداد بکشند، با سربلندی مقاومت کرد. دشمن، که از میزان محبوبیت او در میان مردم آذربایجان مطلع بود، پس از بخون کشیدن یک خلق و سوموار کردن ۳۰ هزار خانواده، نیاز به آن داشت که روحیه این خلق را نیز با یک «استفزاز» درهم بشکند و حیثیت آنرا لکه‌دار سازد. فریدون ابراهیمی، به پای جان خود، داغ‌این آرزو را بدل‌اعمال‌شاه بقیه در صفحه ۴

«من هرگز حاضر نیستم با آن‌هایی که با نهضت آزادی پرافتخار ما دشمنی می‌ورزند و نسبت به آن افترا می‌گویند، سخن بگویم.»
فریدون ابراهیمی

مداخله نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس انقلاب میهن ما را با خطری جدی روبرو می‌کند.

جهان، امری مجاز و قانونی و از حقوق خود می‌شرد و به خود اجازه می‌دهد که در هر جا که منافع غارت‌گراش مورد تهدید قرار گیرد، به مداخله مسلحانه و تجاوز نظامی اقدام نماید. تصمیم دولت آمریکا مبنی بر تشکیل نیروی ضربتی و اعزام این نیرو در «موارد ضروری» به منطقه خلیج فارس، علاوه بر این که صلح و امنیت خلق‌های منطقه را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد، دستاوردهای انقلاب در میهن ما را نیز به خطر می‌اندازد. سیاست نظامی-ایران و منطقه خلیج فارس، سیاست نظامی-کری را بر میهن ما تحمیل کرده بود و ثروت‌های ملی کشور را از راه خرید تسلیحات در اختیار انحصارات نظامی و صنعتی آمریکا قرار می‌داد و نقش ژاندارم امپریالیسم آمریکا را در منطقه ایفای نمود. امپریالیسم آمریکا، که نمی‌خواهد با چنین شکستی در ایران و منطقه خلیج فارس سازگار باشد، به دست عمال بازمانده خود و عناصر ضد انقلاب، به توطئه‌ها و تحریکات و اقدامات تخریبی و تروریستی در میهن ما اقدام می‌کند و می‌کوشد روند انقلاب را متوقف سازد، به این امید که مواضع نظامی و سیاسی و اقتصادی از دست رفته را بازگرداند.

بنا به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، سناتور آمریکائی جوزف جوزف میدن اظهار داشت که دولت کارتر، به منظور حفاظت از منافع آمریکا در ماورای بحار، به ویژه در خلیج فارس، یک نیروی ضربتی ۱۰۰ هزار نفری ایجاد خواهد کرد و اضافه نمود که با توجه به تحولاتی که در منطقه خلیج فارس روی داده، طرح ایجاد این نیروها تهیه شده است. قریب یک سال است که بنا به پیشنهاد پنتاگون، دولت آمریکا طرح مربوط به تشکیل نیروی ضربتی، مرکب از واحدهای هوایرد و تکنیکاران دریائی را بررسی می‌کند چنانکه در طرح پیشنهادی ذکر شده است، این نیروها در موارد حساس و ضروری، به منظور حفظ و حراست آبراهه های صدور نفت از راه دریا و هوا در منطقه خلیج فارس پیاده خواهند شد. از اظهارات سناتور آمریکائی چنین برمی‌آید که به علت تحولات تازه‌ای که در این منطقه روی داده، تشکیل این نیروها، از مرحله طرح، به مرحله اجرا درآمده است. در تأیید سخنان سناتور نامبرده، یک مقام وزارت امور خارجه آمریکا اظهار داشت که در دیپلماسی آمریکا همیشه جانی برای حضور نظامی آمریکا وجود داشته و دارد و افزود که وجود چنین نیرویی در بسیاری از موارد ضروری و قوت قلبی است برای کشورهای که مورد تهدید قرار می‌گیرند. بدین ترتیب دولت آمریکا، بدرغم تمام موازین و حقوق بین‌المللی و اساسنامه و اصول سازمان ملل متحد، مداخله و حضور نظامی خود را در مناطق مختلف

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پی از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخنی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله به قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فعالیت‌های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهایی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

حساب بانکی به نام تقی کش و به شماره ۳۴۳۳، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق).

«حیثیت کشور ایران» – از کدام دیدگاه؟

دادگاه‌های انقلابی، قاطبیت آن‌ها در مجازات جانوران انسان‌مانی که پیکرد و شکار و شنججه و قتل آزادخواهان مردم به‌دفاع حرفه و شغلان بوده و یا کدام نظیر «الانسان‌ها، که مهرهای ستون فقرات رژیم وابسته به‌امپریالیسم و به سهویسم‌را تشکیل می‌ده‌اند، نمایندگان ممنون دنیا امپریالیستی و ضدانسانی‌ت انقلاب ایران، نمایشگر به‌گیری آن‌است. از این‌رو نظر و واکنش نسبت به‌عمل دادگاه‌های انقلابی طبعاً بیکی نیست.

مخالف امپریالیستی و سهویستی باآن فقرات رژیم وابسته به‌امپریالیسم و به سهویسم‌را تشکیل می‌ده‌اند، نمایندگان ممنون دنیا امپریالیستی و ضدانسانی‌ت انقلاب ایران، نمایشگر به‌گیری آن‌است. از این‌رو نظر و واکنش نسبت به‌عمل دادگاه‌های انقلابی طبعاً بیکی نیست. مخالف امپریالیستی و سهویستی باآن فقرات رژیم وابسته به‌امپریالیسم و به سهویسم‌را تشکیل می‌ده‌اند، نمایندگان ممنون دنیا امپریالیستی و ضدانسانی‌ت انقلاب ایران، نمایشگر به‌گیری آن‌است. از این‌رو نظر و واکنش نسبت به‌عمل دادگاه‌های انقلابی طبعاً بیکی نیست. مخالف امپریالیستی و سهویستی باآن فقرات رژیم وابسته به‌امپریالیسم و به سهویسم‌را تشکیل می‌ده‌اند، نمایندگان ممنون دنیا امپریالیستی و ضدانسانی‌ت انقلاب ایران، نمایشگر به‌گیری آن‌است. از این‌رو نظر و واکنش نسبت به‌عمل دادگاه‌های انقلابی طبعاً بیکی نیست. مخالف امپریالیستی و سهویستی باآن فقرات رژیم وابسته به‌امپریالیسم و به سهویسم‌را تشکیل می‌ده‌اند، نمایندگان ممنون دنیا امپریالیستی و ضدانسانی‌ت انقلاب ایران، نمایشگر به‌گیری آن‌است. از این‌رو نظر و واکنش نسبت به‌عمل دادگاه‌های انقلابی طبعاً بیکی نیست.

ولی زحمتکاران، بی‌اگران منافع آنان، سخیوکوان جیش‌های آزادی‌بخش‌ملی، همه محافل و گروه‌ها، افکار و طبقاتی که در مبارزه بر ضد امپریالیسم خونخوارند، برعکس منتقدند که اقدام‌دادگاه‌هایانقلابی ایران به‌مجازات جایت‌کاران، اقتصادی است انقلابی، درست عادلانه، لازم و اگر نفوری در آن رخ دهد کمک بهشد انقلاب است، که هنوز امیدش به‌«ولایتی» باقی است.

اگر این دادگاه‌های انقلابی تشکیل می‌شدند و یا با قاطبیت عمل نمی‌کردند، انقلاب ایران به‌صورت تحولی بی‌رنگ و بی‌مشغول می‌بود. حیثیت آن می‌بود چنانچه از آن می‌رفت، به‌پیراهه زمنه برای پوشش شد انقلاب فراهم گردید. انقلاب باید در مبارزه با ضد انقلاب قاطع و بی‌امان باشد والا حیثیت آن سهل است، خود آن در معرض خرق‌فراق است(گرچه ناپی‌گیر) واقع شده‌اند، ولسی

دربارهٔ دو خط‌مشی:...

ساخت، این بزرگ‌ترین فاجعه جهانی برای امپریالیسم پس از وی‌تنام است و عواقب آن از آنجهم برای امپریالیسم شوئم.ر این یاقواقعۀ جهانی – تاریخی بود و امپریالیسم هرگز تلاش خود را برای گرفتن انتقام از این انقلاب و انقلابیون ایران تخفیف نخواهد داد.

برای همهٔ نیروهای اجتماعی که درگم می‌کنند، مسائل عملده‌انسانی مانند صلح و جنگ، فقر و ثروت، استقلال و اسارت، آزادی و استبداد، امنیت فردی و اجتماعی در گرو زمین‌افزندن قدرت عظیم‌سرسن انحصارهای سودخوار و جهانگردی، ویژهٔ انحصارهای اسلحه، این سوداگران بی‌شرم مرگ و نابودی است، در آنصورت باید به‌آسانی درگندنگد که در ایران چه شده است و چگونه در قبال حملات متقابل مکرر در مکرر امپریالیسم، که با هزار چهره انجام می‌گیرد، باید گوش‌بزرگ بود.

اگر کسی خواستار آنتس که قدرت از میان رفتهٔ امپریالیسم را در ایران، بلوی و عمالش بازگرداند، وسود خود و آلائی و الوف خود را دراین‌می‌بیند، برای چنین عنصری حواست که با بهانه‌نگارن این یا آن مسئله، در تضعیف انقلاب بکوشد و آنرا «هوکند» و واژهٔ «خونخیز» را جا شینتی واژهٔ «امپریالیسم» سازد.

از جانب دیگر کسانی هم، با همین حواست، و با سوء استفاده از این یا آن شبهه برخی از نیروهای انقلابی، می‌کوشند هر موضع قاطع ضد امپریالیستی و دمکراتیک را به‌نام «توطئه ضد انقلاب»نخطهٔ و محکوم کنند و این «توطئه» را هم به «کمونیسم» نسبت دهند تا سرانجام بتوانند واژهٔ «کمونیسم» را جا شینتی واژهٔ «امپریالیسم» سازند.

ولی اگر کسی خواستار آنتس که کار انقلاب ادامه یابد و تحکیم شود، در این صورت روش او تفرقه‌افکنی، جنجال‌سازی، اتهام زنی و میدان دادن به مفسدجویان و توطئه‌گران پس برده، تحت عنوان و بهانه‌های مختلف نیست، روش او این نیست که عمده را از عیان برد و تحت عنوان ذی‌فای از «آزادی»، سیاست «اتحاد وائتقاد» نسبت به‌رژیم ناشی از انقلاب را، به‌سیاست «انتقاد خشن و تعرض‌آمیز» بدل کند، روش او این‌نیست که عمده را از یاد برد و تحت‌عنوانادفعا از «انقلاب» سیاست «اتحاد و انتقاد» نسبت به‌انقلابی انقلابی را به‌سیاست «انتقاد خشن و تعرض‌آمیز» نسبت به‌آن‌ها بداند.

آزادی، حزب ما نیز نسبت به‌مسئلهٔ آزادی‌های دمکراتیک حساس است و مایل نیست که به‌کوچک‌ترین اقدام غیرقانونی و تحمیلی علیه این آزادی‌ها دست زده شود، و اگر دست زده شود، بدان معترض‌است.

ولی ما عمل خود را در چارچوب تحسلیل عام خود از وضع انقلاب قرار می‌دهیم. ما عوامل جهانی و داخلی ضد انقلاب و نقش آن‌ها را از یاد نمی‌بریم. ما پیروزی عظیم انقلاب خلقی ایران را ناچیز نمی‌گیریم. مامشکلات بزرگ دوران انتقال را کوچک نمی‌کنیم. ما تمایلات گروه‌های محدود اجتماعی را با تمایلات اکثریت جامعه یسکان نمی‌گیریم. لذا ما می‌کوشیم یار انقلاب، اهرم اتحاد و تجمع، هشیای اکثریت مردم، باشیم و دیگر «اتحاد و انتقاد» را، در تناسب منطقی آن، نسبت به‌ نیروهای سیاست اعمال کنیم.

ما آنچه را که بر خود می‌سنجیم، بر دیگر نیروهای انقلابی نیز می‌سنجیم و مایلیم که دراین راه همنباهم گام برداریم.

مشی‌سیاسی: استراتژی، تاکتیک...

حل این تضاد می‌بایست منجر به‌تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشورها، منجر به‌استقرار دمکراسی سیاسی و اقتصادی و تحول بنیادی بود زحمتکار در کشور ما بنود.

حزب تودهٔ ایران در برنامه استراتژیک خود، یادآور شده است که تنها با آغاز انجینان راه رشد اقتصادی و اجتماعی، که جامعه ایران را از همهٔ بی‌اندهای سیاست ناسامواری امپریالیستی آزاد کند و دست سرمایه‌داری وابسته به‌امپریالیسم را کوتاه سازد، می‌توان این تضاد عمده را به‌طور واقعی حل کرد. زیرا با قبول راه سرمایه‌داری وابسته و لذا بقاء و هم شدن روشی در سیستم سرمایه‌داری جهانی، نه زمانی از وابستگی و نیل به‌استقلال میسر است و نه نیل به دمکراسی؛ شما میان دمکراسی و استقلال نیز پیوند و رابطه و وابستگی وجود دارد.

اما هر مرحله استراتژیک انقلاب، به‌ناچار از مراحل درازمدت‌ت یا کوتاه مدتی مدتی می‌شود که طی آن، تناسب نیروهای انقلاب و ضد انقلاب تغییر می‌کند و در حیات روزمره سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه تحولانی پدید می‌آید و به‌همین سبب حزب انقلابی، برای نیل‌به‌هدف اعلام استراتژیک خود، باید قادر باشد این مراحل محدودتر را نیز که علما «مراحل تاکتیکی» نام دارند، تشخیص دهد و شمارها و وظایف خود را موافق آن‌ها روشن گرداند.

وقتی می‌گوئیم تاکتیک و مراحل تاکتیکی، منظور ما اصطلاح بورژوازی «تکتیک» که معمولاً به حقه و فریب و مانور و نیزنگ اطلاق می‌شود، نیست، بلکه پیاده‌کردن مشی استراتژیک بر شرایط، امکانات و واقیعات روز است. بدون انحراف از هدف‌های عمده تعیین شده، مکتب و درآمیختن استواری اصولی (یا تعقیب مستمر و بی‌خنده و بلاانحراف هدف‌های استراتژیک) امیو (یا نرشم عملی (یا واقع بینی و توجه به امکانات موجود) است. زیرا اگر کسی، فرنا مرحله استراتژیک انقلاب را به‌دردستی تشخیص دهد، ولی قادر به تشخیص مراحل تاکتیکی، قادر به‌تخصیص‌وسوان دشمنان انقلاب در هرمرحله، تناسب نیروها در هر مرحله، آرایش این نیروها و اوج و تخفیف نهضت و غیره نباشد، متناصب با آن، مشی‌روزمره حزب را زمین نکند، ناچار گرفتار اشتباهات هکوم‌گوم می‌گردد و سرانجام نبرد را می‌بازد.

اشتباه در چیست؟

در میان نیروهای مادی حق (و نه چپ‌مایان) که هستند: اولاً در تشخیص مرحله انقلاب، که مرحله ملی و دمکراتیک است،

اشتباه می‌کردند، و از مدت‌ها پیش، ایران را در مرحله انقلاب سوسیالیستی اعلام می‌داشتند، و حال آن‌که حتی اکنون نیز، که‌به‌مرکز انقلاب مردم ایران، همه شرایط مساعد برای انجام وظایف انقلاب ملی و دمکراتیک‌فراهم آمده است، مشی نمی‌تواند از وظایف ر انجام شده اعلام داشت و هنوز ایران تا مدتی دواز باید ننگ خود را در چارچوب ملی و دمکراتیک چه بدستمان و این ننگ را در چارچوب ملی و دمکراتیک با کلیه اقدامات ضرور برای دفاع از منافع زحمتکاران یدی و فکری. ثانیاً، این افراد به‌وجود مراحل تاکتیکی در درون مرحله استراتژیک انقلاب و ضرورت مراعات جنر و مد آن و دست‌زدن به‌تعرض یا عقب‌نشینی یا اتخاذ سیاست شکنج و انتقار عقیده ندارند و انقلابی و چپ بودن برای آن‌ها عارست از اجراء تعرض دائمی بود یا هدف، یعنی سوسیالیسم و آنچه گاه فقط بنگاه پیششکاف و باونی وجود آندامگی مردم، شما از سوسیالیسم نیز تصور آن‌ها غالباً سطحی و تحلیلی است.

از اینجاست که سردرگمی‌ها آغاز می‌شود و انرژی‌های خود به‌بیرامه می‌رود.

مشی سیاسی درست به‌نظرم در همین جنبش انقلابی مردم ایران، ما با دو مرحله مشخص روزبر هستیم، که هر یک از آن‌ها خواستار مشی مناسب خود بوده و همت در مرحله اول انقلاب، که در آن حکومت استبدادی دست‌نشانده نامتواضع هنوز بر سر کار و اتحاد اکثریت مطلق مردم، بقصد برانداختن آن رژیم ناپسند بود، یک نوع وظایف مطرح می‌شد و در این مرحله دوم انقلاب، یعنی زمانی‌که دیگر حکومت استبدادی دست‌نشانده در میان‌سقوط خود نیروهای انقلابی ای‌بندنی پدید شده و مشی‌های مختلف از هم جدا می‌شود، وظایف دیگری مطرح است. ضد انقلاب این مطلب را خوب تشخیص داده و متناسب با هر مرحله، تاکتیک نوی را در پیش گرفته و شمارها و شیوها را عوض کرده است.

مشکلات مرحله کنونی انقلاب ایران، که خود تشکیل دهنده یک مرحله تاکتیکی است، در اعلامیه مهم ۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸ کمیته‌مرکزی حزب توده ایران به‌تفصیل و با روشنی بیان شده است. این اعلامیه تلاش شد انقلاب در شرایط کنونی بیان دهد و نیروهای نیمه‌راه و سازشکار معرفی گردیدند. دو خط‌مشی مختلف در دوران کنونی (که آنرا می‌توان «دوران گذاره» یا «دوران سازندگی» انقلاب نامد) که یکی از آن‌ها خواستار ادامه‌هی‌گیری انقلاب و دیگری خواستار وارد کردن عناصر«عادل» و محافظه‌کار در آنتس، تشریح شده و موقعیت دولت در میان این دو خط مشی معرفی شده و وظایف نیروهای انقلابی بیان گردیده است.

این اعلامیه با کلیه مسئله‌های ما و مسائل، که درروزنامه «مردم» درج گردیده، مشخصات دوران کنونی و وظایف ما را، که چیزی جز وظایف همهٔ نیروهای راستین انقلابی نیست، روشن می‌کند و محلی برای سردرگمی و ابهام باقی نمی‌گذارد.

مثلاً یکی از وظایف مهم برای آنچه که لنین آنرا «ارزیابی لحظه» در روز انقلاب می‌نامد و متناسب با آن باید «وظایف مردم» تعیین شود، همانا تشخیص درست دوستان و دشمنان انقلاب، تشخیص درست وظایف عمده و وظایف فرعی و جنبی است. اگر یک سازمان سیاسی نتواند در پس انبوه آشفتگی‌ها و پدیده‌های گاه فریبنده، ماهیت را تشخیص دهد، نتواند وظایف عمده را از غیر عمده باز شناسد و عمده را فدای غیر عمده نکند، نتواند دوستان و دشمنان واقعی انقلاب را از هم تشخیص دهد، آن سازمان سیاسی در کم بیشه وقایع، مستجابی خود را از دست خواهد داد.

در انقلاب ایران، به‌قدری خود ویژگی و «انحراف» از اشکال کلاسیک و کتابی زیاد است و به‌قدری روند‌های درون «مطبخ» و «پس پرده» تاریخ نقش خاص دارد که به‌مبارت سیاسی ویژه‌ای لازم است تا خرف و بی‌اعتنا باشد و سیاست نشود و سیاست انقلابی از سیاست ضدانقلابی و حتی مشی مبتنی‌بر دمکراتیسم انقلابی از لیبرالیسم سازشکارانه بورژوازی، به‌دردستی و به‌موقع باز شناخته گردد.

در میان اختلافاتی که بین ما و برخی عناصر صادق و راستین‌انقلابی درمنش سیاسی پدید می‌شود، البته همیشه علت، تنها علت معرفتی و منطقی نیست؛ گاه تشد از آن عقرب‌تر است. ولی در آنجا که این علت، تنها علت معرفتی است و بحث و مناظرهٔ سیاسی (پولییک) برادرانه، علمی و اصولی می‌تواند به‌حل آن‌ها کمک کند، ما بنوبه خود آماده‌ایم. ستون «پرش» و پاسخ، که روزنامه «مردم» گنوده است، برای اجرائ چنین بحث و مناظره‌ای است. ما نه‌فقط حاضریم روش کنیم، حاضریم روش شویم واندیشه و تحلیل و روش خود را با تدکرات و توضیحات درست غنی سازیم و آرزومندیم که چه‌های سدید و واقعی، اگرته در یک حزب، لاقال در یک جبهه و در زیر پرچم یک روش سیاسی، در کنار هم علیه ضد انقلاب و به‌سود انقلاب بیکار کنند.

فریدون ابراهیمی...

جلاد گم‌گشت. حتی هنگامی‌که روزنامه نگاران امریکائی می‌خواستند به‌مه‌مصاحبه و امتحانی کامل یعنی برای او باشند، فریبون، که در وجود امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی تمام خلق‌های ایران را می‌دید و عمل و کارش‌راران آنرا به‌دردستی تشخیص می‌داد، حاضر شد آنان را بپذیرد و به‌«صداقت» آن‌ها نوحش کند. اوگفت: «من با آن‌ها که به خلق من می‌نهد، دوست و دشمن نهضت آزادی‌خواهی ما هستند، صحبت نمی‌کنم».

فریدون ابراهیمی، در سال ۱۳۴۷، به‌طور استوار، نفوذ آن طبقاتی است که در انقلاب شرکت می‌کنند و همچنین به توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را بجای واقیعت عینی گذاشت. البته اگر

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دستاردهٔ حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌های توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را بجای واقیعت عینی گذاشت. البته اگر

فریدون ابراهیمی، در سال ۱۳۴۷، به‌طور استوار، نفوذ آن طبقاتی است که در انقلاب شرکت می‌کنند و همچنین به توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را بجای واقیعت عینی گذاشت. البته اگر

فریدون ابراهیمی، در سال ۱۳۴۷، به‌طور استوار، نفوذ آن طبقاتی است که در انقلاب شرکت می‌کنند و همچنین به توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را بجای واقیعت عینی گذاشت. البته اگر

در زندان، وی را در طولی گم‌گامه می‌دانند. که دواورش تا کمر مربوط بود از ۵ مایه کی زندانی کشید، ما در زندان یک‌چنین حکومتی، کاملاًدرست ما در زندان اجرا بود و متحمل انواع شکنجه‌ها شدیم. ما به‌قدری علاو طبع و یادداشت داشت که هنگامی که زن بارداری داشت، برای دیدن او آمد، می‌گفت که اگر زنی را می‌بینی که در آنجا وضع حمل ناراحت شود، این آسان شود و سرشت، قافله‌های متولد زندانیان را برای دریافت رسو و تیربار فرار رد کرد وی‌گفت: کاری نکرده‌ام که فرارکنم.

اگر فرمانده زندان، جابودیور، به‌قدری تحت تاثیر شخصیت او واقع شده بود که در آن‌وقع می‌گفت: چنین افرادی شرف این ملت هستند و این امر برای من بود، می‌توانم با او همکاری کنم. آنچه را می‌بینم و می‌شنوم و آنچه را می‌بینم و می‌شنوم، این‌همه را هرگز نمی‌فراموش می‌کنم.

میان جلوی یاج گم‌گشتان، شاهدانعام مردمی بودند که گفتند: «این‌ها نفس خنق آذربایجانی‌هاست و این‌ها نفس کادکباران ارطالی می‌ماند می‌گفتند. گفته‌ها ما، که ۵ میلیون آذربایجانی‌سودخور این فرزند لبردیوار است، فریبی که با شمارهای زیاد در دفاع از مردم و در مخالفت با رژیم سلطنتی بیای جوبه‌دار رفت و در آخرین روز زندگی خود، به‌ترین لباسی را که داشت و سرافراز و افتخوره بودند، به تن کرد و سرافراز، در حالیکه هنوز فرزندی چشم به‌ان دنیا نداشتند، در آنجا فرود آمدند و گفتند، تا کف‌های او در آنجا نرسد، فرمایم که آذربایجانی‌ها دلیر و سراسر آزادان به‌اند.

فریدون ابراهیمی امروز نیز نه‌تنها احترام و تحسین در قلب می‌آید، آفرند، بلکه نسل جوان را به‌تشکل، به اتحاد نیروها، به نبرد هشیارانه و بیگمیر، به وفاداری به‌آرمان‌های والای حزب طبقه کارگر، حزب توده ایران، فریب می‌خواند.

یادش جاودان باد!

به بخش هر چه وسع‌تر

«مردم» کمک کنید

کتاب به‌توزیع و بخش هرچه‌وسع‌تر روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران، یک وظیفهٔ انقلابی و فرهنگی است. از یک‌گله دوستان، هواب داران و داوطلبان که برای پیشبرد این هدف، در هر نقطه از تهران یا هر یک از شهرها وروستاها، امکاناتی دوست من! آلبینه‌هاکتری‌لام است، ولی این دختران‌دلی‌است‌که همیشه «مردم» تماس بگیرند.

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

فریدون ابراهیمی...

جلاد گم‌گشت. حتی هنگامی‌که روزنامه نگاران امریکائی می‌خواستند به‌مه‌مصاحبه و امتحانی کامل یعنی برای او باشند، فریبون، که در وجود امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی تمام خلق‌های ایران را می‌دید و عمل و کارش‌راران آنرا به‌دردستی تشخیص می‌داد، حاضر شد آنان را بپذیرد و به‌«صداقت» آن‌ها نوحش کند. اوگفت: «من با آن‌ها که به خلق من می‌نهد، دوست و دشمن نهضت آزادی‌خواهی ما هستند، صحبت نمی‌کنم».

فریدون ابراهیمی، در سال ۱۳۴۷، به‌طور استوار، نفوذ آن طبقاتی است که در انقلاب شرکت می‌کنند و همچنین به توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را بجای واقیعت عینی گذاشت. البته اگر

فریدون ابراهیمی، در سال ۱۳۴۷، به‌طور استوار، نفوذ آن طبقاتی است که در انقلاب شرکت می‌کنند و همچنین به توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

فریدون ابراهیمی، در سال ۱۳۴۷، به‌طور استوار، نفوذ آن طبقاتی است که در انقلاب شرکت می‌کنند و همچنین به توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

فریدون ابراهیمی، در سال ۱۳۴۷، به‌طور استوار، نفوذ آن طبقاتی است که در انقلاب شرکت می‌کنند و همچنین به توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

بی از پیروزی ملی خلقی ۲۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸، به‌تواند دستان کل‌آذربایجان برترده شد و یکمال بدش، که دشمن هجوم فریب‌ها و «تفرقه‌افکنی‌های» آذربایجانی‌ها را در برابر خشم راسین خنق‌فروشان سرکشان، به‌تواند مطبوعاتی در گرفتار آید. به‌تواند شرکت جست، گرفتاری‌های او به‌فارسی هر چه وجاب می‌شد. کتاب «تاریخ آذربایجان» او درآین بازرگانهٔ آزادی است.

بی از پیروزی ملی خلقی ۲۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸، به‌تواند دستان کل‌آذربایجان برترده شد و یکمال بدش، که دشمن هجوم فریب‌ها و «تفرقه‌افکنی‌های» آذربایجانی‌ها را در برابر خشم راسین خنق‌فروشان سرکشان، به‌تواند مطبوعاتی در گرفتار آید. به‌تواند شرکت جست، گرفتاری‌های او به‌فارسی هر چه وجاب می‌شد. کتاب «تاریخ آذربایجان» او درآین بازرگانهٔ آزادی است.

بی از پیروزی ملی خلقی ۲۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸، به‌تواند دستان کل‌آذربایجان برترده شد و یکمال بدش، که دشمن هجوم فریب‌ها و «تفرقه‌افکنی‌های» آذربایجانی‌ها را در برابر خشم راسین خنق‌فروشان سرکشان، به‌تواند مطبوعاتی در گرفتار آید. به‌تواند شرکت جست، گرفتاری‌های او به‌فارسی هر چه وجاب می‌شد. کتاب «تاریخ آذربایجان» او درآین بازرگانهٔ آزادی است.

بی از پیروزی ملی خلقی ۲۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸، به‌تواند دستان کل‌آذربایجان برترده شد و یکمال بدش، که دشمن هجوم فریب‌ها و «تفرقه‌افکنی‌های» آذربایجانی‌ها را در برابر خشم راسین خنق‌فروشان سرکشان، به‌تواند مطبوعاتی در گرفتار آید. به‌تواند شرکت جست، گرفتاری‌های او به‌فارسی هر چه وجاب می‌شد. کتاب «تاریخ آذربایجان» او درآین بازرگانهٔ آزادی است.

دوست زبیر دم‌م، نامه شما حاوی سوالات رسید.
۱- درباره ارزیابی روش رهبری‌انقلاب و دولت موقت، حزب ما تحلیلی، که کسی نمی‌تواند جامع است و البته در پرتوی واقعیت‌ها و شرایط موجود، در پیروزی و پیشرفت رژیم «مردم» (شماره ۹) ۱۳ اردیبهشت درج شده است. واقیعات درستی این تحلیل را نشان داده است. نظر ما دربارهٔ مشی انقلابی و مشی سازشکار و روش ما در قبال‌آن‌ها به‌تفصیل در آنجا بیان شده لطفاً این تحلیل را به‌دست آورید و مطالعه کنید. حایث هم آیدا به‌همنای تعلق‌گوشی نیست. ما براساس یک تحلیل جدی سیاسی، یک مشی سیاسی را درست می‌دانیم و اعلام می‌کنیم که درست است، زیرا به‌نفع انقلاب و برشد امپریالیسم است. گفتن حقیقت در هر مورد بقیه در صفحهٔ ۵

تصحیح

در شماره پیشین (۱۵)، در مقاله «آموزش انقلابی – احکام چاند نصیته‌رهنمای عمل است» صفحه ۴، شیخ عیارت گونه در سطرهای ۱۹ و ۲۵ چنین است: «تاریخ آذربایجان» او درآین بازرگانهٔ آزادی است. نظر ما دربارهٔ مشی انقلابی و مشی سازشکار و روش ما در قبال‌آن‌ها به‌تفصیل در آنجا بیان شده لطفاً این تحلیل را به‌دست آورید و مطالعه کنید. حایث هم آیدا به‌همنای تعلق‌گوشی نیست. ما براساس یک تحلیل جدی سیاسی، یک مشی سیاسی را درست می‌دانیم و اعلام می‌کنیم که درست است، زیرا به‌نفع انقلاب و برشد امپریالیسم است. گفتن حقیقت در هر مورد بقیه در صفحهٔ ۵

تصحیح
در شماره پیشین (۱۵)، در مقاله «آموزش انقلابی – احکام چاند نصیته‌رهنمای عمل است» صفحه ۴، شیخ عیارت گونه در سطرهای ۱۹ و ۲۵ چنین است: «تاریخ آذربایجان» او درآین بازرگانهٔ آزادی است. نظر ما دربارهٔ مشی انقلابی و مشی سازشکار و روش ما در قبال‌آن‌ها به‌تفصیل در آنجا بیان شده لطفاً این تحلیل را به‌دست آورید و مطالعه کنید. حایث هم آیدا به‌همنای تعلق‌گوشی نیست. ما براساس یک تحلیل جدی سیاسی، یک مشی سیاسی را درست می‌دانیم و اعلام می‌کنیم که درست است، زیرا به‌نفع انقلاب و برشد امپریالیسم است. گفتن حقیقت در هر مورد بقیه در صفحهٔ ۵

دورهٔ هفتم، سال اول، شمارهٔ ۱۶، شنبه ۳۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸

رویدادهای جهان

- دوچچاپ، دو ساس

کوستا‌هوواک، رئیس‌جمهوری دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی مقاله «مردم» درباره «نظام ملی و دمکراتیک».

دوست عزیزا مسئله رهبری وابسته به توازن نیروها و قدرت آن طبقاتی است که در انقلاب شرکت می‌کنند و همچنین به توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را بجای واقیعت عینی گذاشت. البته اگر

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دستاردهٔ حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌های توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دستاردهٔ حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌های توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دستاردهٔ حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌های توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دستاردهٔ حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌های توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دستاردهٔ حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌های توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دستاردهٔ حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌های توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دستاردهٔ حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌های توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دستاردهٔ حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌های توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دستاردهٔ حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌های توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دستاردهٔ حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌های توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دستاردهٔ حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌های توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دستاردهٔ حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌های توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دستاردهٔ حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌های توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دستاردهٔ حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌های توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دستاردهٔ حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌های توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دستاردهٔ حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌های توانایی و کارایی احزاب و سازمان‌های مربوطه در تشخیص مرحله انقلاب، تعیین مشی درست و شمارهای صحیح‌کننده وهدست گرفتن رهبری توده مردم، این مسئله‌ای دلخواه نیست که بنود از قیل برای آن حکم صادر نبود و خواست و آرزوی خود را به

وی همچنین اعلام کرد که شوروی وهند خواستار استقرار صلح در منطقه و در سراسر جهان هستند.

ترکی سپس به‌بحث درباره نایج انقلاب یک ساله کشور خود پرداخت و اعلام کرد که اصلاحات ارثنی در افغانستان به‌موقع اجراء گشته‌اند شده است ویکی از‌مسائل مهم کشور در آستانه حل قطعی است. وی‌همچنین گفت: «اختلالات موجود میان قباایل مختلف از میان رفته و حقوق اقلیت‌های گوناگون در افغانستان محترم شمرده می‌شود واین اقلیت‌ها اکنون این امکان را دارند که روزنامه‌های مخصوص خود را منتشر سازند و زبان خود را در مدارس بیاموزند.»
ترکی در پایان سخنان خود تصریح کرد که تفویض قدرت سیاسی در افغانستان به‌یقینت کارگر وکشاورز از دست‌آورد‌های مهم انقلاب این کشور است.»

- داستان چوب و گرهٔ درخه**

کمیسیون تحقیق شورای امنیت که در ۲۲ مارس تشکیل شد تا وضع مهاجرنشین‌های یهودی در سرزمین‌های عربی تحت اشغال اسرائیل، ازجمله بیت‌المقدس، را مورد بررسی قرار دهد قرار است این هفته نیویورک را به‌صفت خاورمیانه ترک کند.

لکن اسرائیل برای سرپوش گذاشتن برچاپاش در سرزمین‌های اشغالی‌وجلوگیری از اشغالی حقایق دراین زمینه، اعلام کرد که از ورود این مثبت به‌ساک خود

به علت استقبال کم نظیر مردم، زمان نمایشگاه به یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران تمدید شد

روز ۲۱ اردیبهشت، همزمان با برگزاری مراسم سالگرد شهادت خیر روزبه قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، نمایشگاه به یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران نیز افتتاح شد. استقبال کم نظیر مردم روبرو شده و تاکنون نه فقط عده کثیری از مردم تهران، بلکه بسیاری از مردم شهرستانها نیز از آن دیدن کرده اند و با زندگی و پیکار و شهادت شهیدان راه آزادی و استقلال ایران آشنا شده اند.

در دفتر یادبود نمایشگاه، نوشته هایی از جانب بازدیدکنندگان دیده می شود که حاکی از حشمتی نسبت به شهیدان و همچنین عزم راسخ برای ادامه راه شهیدان است. از آنچه که تاکنون نوشته شده، ساده ترین و کوتاه ترین و در عین حال پر معناترین آن ها، با امضای «یک برادر مسلمان» است که نوشته، یادخوار روزبه گرامی باد!

توجه!

علاقه مندان به نمایشگاه به یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران، می توانند تا روز ۱۵ خردادماه ۱۳۵۸، از ساعت ۱۵ تا ۱۹، در محل دانشگاه صنعتی تهران،

محوطه بین تالارها، از این نمایشگاه دیدن کنند.

ضمناً یادآور می شود که این نمایشگاه متعلق به همه شهیدان راه آزادی و استقلال ایران، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی آن ها است، لذا از همه میهن پرستان و آزادیخواهان ایران و بویژه از بازماندگان و دوستان همه شهیدان خواستاریم که عکس و اطلاعات مربوط به زندگی و پیکار و شهادت شهیدان غیر توده ای را نیز در اختیار اداره کنندگان نمایشگاه و یا دفتر «مردم» قرار دهند. موجب سپاس فراوان خواهد شد.

گسترده باد جبهه ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی، ضد ارتجاع و مزدوران

اسکان با شکست مواجه شود. تلاش دشمن صهیونیستی و رژیم سادات برای منزوی کردن نوار غزه از فلسطین و منزوی کردن اهالی آن از ملت فلسطین با شکست روبرو خواهد شد. مردم ما در نوار غزه می دانند که سرنوشته سرنوشت مردم عرب فلسطین است و خاک غزه جزء لاینجزای خاک فلسطین است. مسئولیت ما این است که این نقشه شوم را خنثی کنیم و راه را بر سانس که می خواهند سرزمین ما را قلمه قلمه کنند و جبهه ما را درهم بشکنند بندید این نبرد است که تمامی افراد شجاع ملت ما که تحت اشغال به سر می برند و یا در تبعید کادها هستند در آن شرکت دارند.

حق بازگشت به فلسطین مقدس است. نبرد برای بازگشت به فلسطین مقدس است و افزایش مبارزه برای بازگشت به وطن وظیفه هر فلسطینی در هر جای دنیا است.

جنبش آزادی بخش فلسطین، «فتح» روز ۱۵ ماه مه جاری، به مناسبت سالگرد اشغال فلسطین توسط صهیونیست ها اعلامیه ای صادر نمود، که توسط خبرگزاری فلسطینی «وفا» به روزنامه «مردم» رسیده است. ما نه پشتیبانی فعال و همه جانبه خود را از خلق قهرمان فلسطین در مبارزه دلاورانه آن همیشه ابراز داشته ایم، اینک خلاصه ای از این اعلامیه را به اطلاع خوانندگان «مردم» می رسانیم:

ملت ما فدایی و آوارگی گرسنگی نابودی، محاصره، سرکوبی و انواع تجاوزات دیگر را تحمل کرده و در برابر انواع توطئه های که برای ایجاد اختلاف صورت گرفته است نجایانه مقاومت کرده و با رد طرح های استعماری هویت عربی و فلسطینی خود را حفظ نموده و فرهنگ و آداب و سنن خود را نگه داشته است.

سالها است که نبرد مسلحانه فلسطین با جنبش وسیع مردمی هماهنگ شده و با فرزندان دلیر خود در سرزمینهای اشغالی در یک وحدت سرنوشت ساز قرار گرفته و در چهارچوب سازمان آزادی بخش فلسطین گرد آمده است.

سالگرد ۱۵ ماه مه روزی است که انتالپون، عملیات خود را افزایش می دهند و روزی است. که ملت فلسطین در داخل و خارج سرزمینهای اشغالی دست به اعتصاب عمومی می زند. و اکنون سالگرد ۱۵ ماه مه در شرایطی برگزار می شود که فلسطین توانسته است آرای جهانیان را بخود جلب کند ولی صهیونیست ها فقط حمایت امپریالیست های امریکایی و ژرمنی را بر سرشان آفرینانی را بخود جلب کرده اند. و از حمایت یک خانین مزدور خود فروخته ای که خودش را به شیطان و ملت عرب مصر را به دشمنان فروخته است برخوردار است.

ملت بزرگ فلسطین، انقلابیون قهرمان فلسطینی امپریالیست ها بعد از آن که از طرف جنبش های انقلابی و خصوصاً انقلاب بزرگ ایران که به سرنگونی شاه مزدور و هم پیمان صهیونیسم منتهی شد خریبه خوردند، هم اکنون در صدد بدست آوردن پایگاه های خود در جهان هستند.

اعلامیه سپس دسایس جدید امپریالیست ها، به همستی سادات و توطئه های حکومت اسرائیل را فاش ساخته چنین می نویسد:

امپریالیست ها و صهیونیست ها حقوق ملت ما را نادیده گرفته و با طرح های اسکناس و یا سرکوبی و نابودی حملاتی را متوجه آنها میکنند ولی ملت ما در برابر این نقشه های استعماری کرده و با تسکین به وحدت خود و به وحدت سرزمین و وحدت سرنوشت خود همه این توطئه ها را نقش یسراب می کنند.

آن ها سعی دارند از رشد ملت ما و از رشد، موسسات ما و جامعه ما جلوگیری کنند آن ها تلاش می کنند کفایت های تازه ای در کرانه غربی بنا کنند و طرح با اصطلاح خود مختاری را به ملت ما تحمیل کنند. و وظیفه ما مقاومت در برابر این طرح مشکوک است که می خواهد اشغال را ادامه دهد وظیفه ما این است که از مقاومت ملت خود پشتیبانی و حمایت کنیم تا تلاش های دشمن برای مهاجرت دادن و

فلسطین چنین می خاییم:

ما با گرد آمدن در چهارچوب سازمان آزادی بخش فلسطین تنها نماینده قانونی ملت فلسطین از فلسطین حمایت و پشتیبانی می کنیم مبارزه خود برای بازگشت به فلسطین و آزادی فلسطین شدت بخشیم. برافراشته باد پرچم مبارزه مسلحانه و جنبش انقلابی برای آزادی و پیروزی گسترده باد جبهه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و ضد ارتجاع و مزدوران برافراشته باد پرچم دموکراتیک مستقل فلسطین

زنده باد فلسطین آزاد و عربی درود به روان پاک شهدای انقلاب!

این بود خلاصه ای از اعلامیه جنبش آزادی بخش فلسطین به مناسبت روز ۱۵ ماه مه. بجاست یکی از شعارهایی را که توسط حزب توده ایران، در این روز، پس از شرکت در مراسم دانشگاه، در اطراف محل میتینگ همبستگی نصب شده تکرار کنیم:

حزب توده ایران از پیکار خلق قهرمان فلسطین بر ضد امپریالیسم و صهیولیسم پشتیبانی می کند.

پیام به مؤلفان و مترجمان آثار مترقی

دایره انتشارات حزب توده ایران از همه مؤلفان و مترجمان آثار مترقی، که مایل باشند آثار خود را برای انتشار در اختیار حزب قرار دهند، دعوت می کند که شخصاً یا کتباً با دفتر روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، تماس بگیرند.

نشانی: تهران، خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

تمام واقعیت های موجود به پایکی این دعوی امپریالیست های غارتگر و مائوئیست های خدعه گر را نشان می دهد. کشورهای امپریالیستی در تمام کنفرانس ها و مجامع بین المللی، در مبارزه با انحصارها و کشورهای امپریالیستی، در کنار کشور های در حال رشد قرار دارند و از منافع آنان دفاع می کنند.

آنگون، پس از انقلاب ملی و دموکراتیک در مهن ما، تمام شرایط لازم برای پایان دادن به مناسبات غیر عادلانه و غارت گرانه کشورهای امپریالیستی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مستقل برای مردم ایران بوجود آمده است. ولی امپریالیسم و عمال داخلی آن می کوشند با دسیسه و خرابکاری و ایجاد نفاق میان نیروهای راستین انقلاب، از مبارزه قاطع برای پایان دادن نهایی و بدون بازگشت به تسلط امپریالیسم در ایران جلوگیری کنند. مردم ایران، بخصوص زحمتکشان، باید با مبارزه آشتی ناپذیر و متحد خود این اقدامات را عقیم گذارند.

قابل توجه ناشران

مدتی است که ناشران، افراد و موسسات گوناگون، انتشارات حزب توده ایران را، بدون موافقت و اجازه کتبی تجدید چاپ می کنند و به فروش می رسانند که تجدید چاپ، بخش و فروش انتشارات حزب توده ایران، بدون موافقت و اجازه کتبی حزب ممنوع است.

از کسانی که تاکنون انتشارات حزب توده ایران را تجدید چاپ کرده و به فروش رسانده اند، خواهشمند است که برای روشن ساختن وضع حقوقی و مالی آنچه که تاکنون توسط آن ها انتشار یافته، به دفتر «مردم» مراجعه کنند.

ناشرانی هم که میل دارند انتشارات حزب توده ایران را چاپ و یا تجدید چاپ کنند، باید برای کسب موافقت و اجازه حزب به دفتر «مردم» مراجعه کنند.

امیدواریم این خواست قانونی مورد توجه همه علاقه مندان به انتشارات حزب توده ایران قرار گیرد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران



گوشه ای از نمایشگاه به یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران

در حال رشد بکاهند و با کمک های اقتصادی و مالی و فنی، به رشد اقتصادی مستقل و پیشرفت اجتماعی این کشورها یاری رسانند. تئوری پان امپریالیستی، با تقسیم کشورها به «غنی» و «فقیر» و با پیش کشیدن انواع اصطلاحات ساختگی، سعی دارند تفاوت سرشتی میان مناسبات کشور های سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی یا کشورهای «جهان سوم» را پرده پوشی کنند و کشورهای امپریالیستی را، که قرن ها کشورهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین را به شیوه های استعماری کهن و نو غارت کرده و می کنند و پیشرفت و ثروت خود را به میزان زیاد مدیون این غارتگری هستند، با جهان سوسیالیسم، که عصر آن حتی به هفتادسال نمی رسد، کوچک ترین دخالتی در عقب ماندگی کشورهای در حال رشد نداشته است، بلکه برعکس از هر کوششی در راه کمک به آن ها دریغ ندارد، در یک صف قرار دهند.

مائوئیست های پکن و گروهک های مائوئیست در سایر کشورها نیز به پیروی از امپریالیسم و انحصارگران غارت پیشه، با توسل به همین شیوه و زیر اصطلاحات ساختگی «دوا بر قدرت»، «سیاسال - امپریالیسم» و غیره، همین اتهامات ناروا را بر کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد شوروی وارد می سازند.

تمام واقعیت های موجود به پایکی این دعوی امپریالیست های غارتگر و مائوئیست های خدعه گر را نشان می دهد. کشورهای امپریالیستی در تمام کنفرانس ها و مجامع بین المللی، در مبارزه با انحصارها و کشورهای امپریالیستی، در کنار کشور های در حال رشد قرار دارند و از منافع آنان دفاع می کنند.

آنگون، پس از انقلاب ملی و دموکراتیک در مهن ما، تمام شرایط لازم برای پایان دادن به مناسبات غیر عادلانه و غارت گرانه کشورهای امپریالیستی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مستقل برای مردم ایران بوجود آمده است. ولی امپریالیسم و عمال داخلی آن می کوشند با دسیسه و خرابکاری و ایجاد نفاق میان نیروهای راستین انقلاب، از مبارزه قاطع برای پایان دادن نهایی و بدون بازگشت به تسلط امپریالیسم در ایران جلوگیری کنند. مردم ایران، بخصوص زحمتکشان، باید با مبارزه آشتی ناپذیر و متحد خود این اقدامات را عقیم گذارند.

انحصارها و کشورهای امپریالیستی مانع عمده روابط سالم بازرگانی و اقتصادی جهان

مداخله در امور داخلی، و در صورت امکان حتی تجاوز آشکار، استقلال سیاسی و حق حاکمیت کشورهای در حال رشد را باطل می کنند و می کوشند بندهای وابستگی اقتصادی، سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک این کشورها را محکم تر سازند و راه رشد سرمایه داری را به این کشورها تحمیل نمایند. رژیم دست نشانده و سراپا تنگ پهلوی نمونه بارز این وابستگی بود. منابع نفت ایران تماماً در دست بزرگترین انحصارهای نفتی قرار داشت، ۷۵ درصد واردات ایران از بزرگترین کشورهای امپریالیستی انجام می گرفت، این کشورها در تمام رشته های فعالیت اقتصادی ایران نفوذ کرده بودند و صنایع ایران از لحاظ ماشین آلات و مواد ساختمانی و سایر مواد خود را از این کشورها می خریدند. سیاست خائنه رژیم پهلوی، کشاورزی ایران دچار بحران و انحطاط گردید و سال به سال به میزان واردات مواد خوراکی افزوده شد (فقط طی ۴ سال ۱۳۵۳ - ۱۳۴۹ واردات مواد خوراکی ایران از ۸۴ میلیارد ریال به ۸۲ میلیارد ریال رسید، یعنی ۷۵ برابر گردید). آشفته و بحران کنونی در تمام رشته های اقتصادی، گرانی و تورم، بیکاری و فقر موجود تماماً مولود تسلط امپریالیسم بر کشور ما است، که راه آن به وسیله رژیم پهلوی هموار گردید.

(بمناسبت پنجمین اجلاس کنفرانس سازمان ملل متحد برای بازرگانی و توسعه) (توسعه)

پنجمین اجلاس کنفرانس سازمان ملل متحد برای بازرگانی و توسعه (اوتکناد)، کسار خود را از ۱۹ اردیبهشت، در مائیل، پایتخت فیلیپین، آغاز کرد. در این اجلاس، بیش از ۱۰ هزار نماینده از ۱۵۹ کشور و سازمان بین المللی شرکت دارند. پایان دادن به تبعیض، نابرابری و استثمار در مناسبات بازرگانی و اقتصادی میان کشورهای جهان و ایجاد نظم نوین اقتصادی برای همه برابری حقوق، عدالت و همکاری مبتنی بر منافع متقابل دستور جلسه این کنفرانس را تشکیل می دهد.

این کنفرانس، مانند سایر کنفرانس ها و مجامع بین المللی، پیوسته صحنه برخورد و مبارزه میان دو گروه کشورهای جهان بوده است. یک گروه را بزرگترین کشورهای امپریالیستی جهان غرب تشکیل می دهد و گروه دیگر را کشورهای «جهان سوم» و کشورهای سوسیالیستی.

کشورهای امپریالیستی سعی کوشند در این کنفرانسها نظم موجود در روابط اقتصادی و بازرگانی میان خود و سایر کشورهای را توجیه کنند و ایدی سازند. سیاست های اقتصادی، مالی و بازرگانی کشورهای امپریالیستی غرب با کشورهای در حال رشد بر پایه غارت و استثمار، نابرابری و تبعیض استوار است و این کشورها را از لحاظ اقتصادی، مالی، تکنیک و تکنولوژی و انحصارهای غارتگر چند ملیتی و کشورهای درنده امپریالیستی وابسته می سازد و مانع رشد سریع و همه جانبه آنان می گردد.

«هامان کورآ»، دبیر کل «اوتکناد»، در جلسه افتتاحیه کنفرانس مائیل اعلام کرد که: سیاست حمایتی که کشورهای پیشرفته غرب در مورد واردات از کشورهای در حال رشد به نفع خود اعمال می کنند، باعث محدود شدن صادرات این کشورها می گردد، بر تمام سیستم اقتصاد جهانی تأثیر منفی می گذارد و موجب عقیم ماندن کوشش هایی می گردد که این کشورها برای سنتزی کردن خود به عمل می آورند. کشورهای امپریالیستی برای حفظ منافع نامشروع خود از هیچ اقدام جانپناز علیه کشورهای در حال رشد ایا ندارند. آنان از راه تحکیم و یا بر سر کار آوردن رژیم های دست نشانده ارتجاعی و ضلعی،

مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران
فلا هر هفته سه شماره: شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود
نشانی:
خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن:
۹۳۷۲۸ و ۹۳۷۲۹

مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران
فلا هر هفته سه شماره: شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود
نشانی:
خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن:
۹۳۷۲۸ و ۹۳۷۲۹